

جوهری که آسیب دید

درباره خشونت کلامی و رفتاری در جامعهٔ ایران



احمد زیدآبادی

نویسنده و مشاور هم‌میهن

برای دریافت سطح «خشونت» در یک جامعه، دسترسی به آمارهایی که بعضاً غیرقابل راستی‌آزمایی‌اند و اغلب هم مهر «محرمانه» می‌خورند، خیلی مورد نیاز نیست. فقط کافی است در هر محله و کوی و کوچه و خیابان و محیط کار و زندگی و تحصیل خود، اطراف را بپاییم و نوع کنش «شهروندان» را دریابیم!

کسی که تصور یا ادعا می‌کند رفتار ما ایرانیان در محیط‌های بسته یا باز، کم و بیش در حد نرم‌های معمول در دیگر جوامع است، یا روابط اجتماعی خود را قطع کرده و در لاک خود به سر می‌برد و یا اینکه اذعان به ناهنجاری‌های رفتاری در جامعه را مغایر حفظ موقعیت و منافع خود می‌بیند!

واقعیت این است که نزاع‌های کلامی، بی‌احترامی، بی‌ادبی، فحاشی، برخورد‌های فیزیکی، کنک‌کاری و زد و خورد‌های خشونت‌بار منجر به جرح و قتل، در سطوح مختلف جامعه از حد معمول و طبیعی خود بسیار فراتر رفته است و این، بسیاری از مردمی را که خواهان آرامش و احترام و رعایت یکدیگرند، به شدیدترین وجه ممکن نگران و افسرده کرده است.

در خیابان گاه یک نگاه ناخواسته، واکنش هیستریک و عصبی فردی را به دنبال دارد و گاه یک احترام ساده، چشم افراد را از تعجب چنان گشاد می‌کند که گویی طرف‌شان از سیاره‌ای دیگر پا به این کرهٔ خاکی گذاشته است!

می‌توان فشار روزافزون زندگی از تنگی معیشت و عدم کفاف درآمد و سررسیدن اقساط و عقب افتادن کرایهٔ منزل و مغازه و ترافیک سرسام‌آور و هوای اغلب آلوده و بی‌ثباتی قیمت‌ها و فساد اداری و نابرابری و تبعیض و ترس از آینده و ده‌ها مورد از این قبیل را دلیل عصبانیت افراد و تحریک آنها به کنش خشونت‌آمیز برشمرد اما همهٔ اینها فقط یک روی ماجرا به نظر می‌رسند.

روی دیگر ماجرا این است که در جامعهٔ ایرانی یک امر «بسیار خاص» در سال‌های اخیر بی‌نهایت آسیب دیده است و آن جوهر اخلاقی مبتنی بر نوعی جهان‌نگری متافیزیکی است که

بازتولیدکنندهٔ تواضع، احترام، ادب، انصاف، رعایت، مهربانی، بخشش، بزرگواری، صبوری، کمک و دلسوزی به هم‌نوع و هموطن و همکیش در طول تاریخ این سرزمین بوده است. همین جوهر اخلاقی در سطوح فردی و اجتماعی، معمولاً کژتابی‌های بعضاً گریزناپذیر سیاست و حکمرانی را تعدیل و تا حدی جبران می‌کرده و جامعه را در نقطهٔ کم و بیش متعادل و متوازن نگه می‌داشته است.

در دهه‌های چهل و پنجاه خورشیدی، میل به تسری این جوهر اخلاقی به امر سیاست و حکمرانی، انگیزهٔ بسیاری از روشنفکران و اهل حوزه برای مبارزه با سلطنت پهلوی شد و قسمی از ترکیب و این همانی آن دورا رقم زد. بدین ترتیب، آن جوهر اخلاقی از سطح فرد و جامعه به سطح دولت و حکومت کشیده شد ولی ناخواسته به مسلخ‌گاه خود رفت.

در دنیای متجدد برای کنترل مفاسد قدرت و سیاست تلاش شده است تا دیوانسالاری را شفاف و پاسخگو و متکی به آراء عمومی کنند. به میزانی که این سازوکار در یک جامعه کارآمد باشد، به همان میزان از مفسده‌انگیزی قدرت دولت هم کاسته می‌شود. این خود زمینه‌ساز تعادل رفتاری مردم و بازداشتن آنان از خشم و خشونت‌های مهارناپذیر است.

در این میان اما ادغام دستگاه متافیزیکی حافظ نظم اخلاقی جامعه در سازمان دولت و حکومت به قصد کنترل مفاسد قدرت، می‌تواند به نتیجهٔ معکوس بیانجامد؛ به گونه‌ای که جوهر اخلاقی را در خدمت قدرت درآورد و بدین‌وسیله آن را فاقد معنا و اعتبار مرسوم آن کند. با بی اعتبار شدن آن جوهر و نظام اخلاقی، دیگر همهٔ آن فضائلی که رفتار فردی و اجتماعی را نظم و سامان می‌داد و متوازن و متعادل می‌کرد رنگ می‌بازد و راه بر «هر کاری مجاز است» هموار می‌شود!

این پدیده‌ای بی‌نهایت سهمگین است. متأسفانه بازشکافی این پدیده در جامعهٔ ما هنوز نوعی تابوست. تا این تابو پای‌جا باشد نمی‌توان دلایل این سطح از ناهنجاری از جمله خشونت‌های بی‌سابقهٔ رایج را ریشه‌یابی و علاج کرد. برای عبور از این وضعیت، یک رس‌ساز اخلاقی ملی مورد نیاز است اما آن هم در گرو بازاندیشی انتقادی عمیق در بینشی است که مسبب این وضعیت شده است.



واکنش اعضای شورای شهر به قتل الهه حسین نژاد

ضعف‌های امنیتی تاکسیرانی

▼ سیاست‌های اشتباه دیکته‌شده به تاکسیرانی

علی اصغر قائمی، عضو شورای شهر تهران در پاسخ سوال هم‌میهن مبنی بر اینکه چرا مدیریت تاکسی‌های بین‌شهری طوری نیست که در ساعت‌های مختلف تاکسی برای سرویس‌دهی به شهروندان وجود داشته باشد؟ گفت:



«نام‌کامل سازمان تاکسیرانی «مدیریت و نظارت بر تاکسیرانی شهر تهران» است. هم مدیریت بار معنایی خود را دارد و هم نظارت. اینکه در این دوره مدیریت شهری از مأموریت‌های ذاتی و منطقی فاصله می‌گیرد و به بنگاه خرید و فروش تاکسی تبدیل شده، طبیعی است که از وظیفه اصلی خود دور شود. خانم مالکی، رئیس سازمان تاکسیرانی فعال و پرتانرژی است اما سیاست‌هایی که از بالا به او دیکته می‌شود، مسیر سازمان را از ریل اصلی منحرف کرده است.»

▼ عدم همکاری وزارت کشور و صمت

سید جعفر تشکری‌هاشمی، رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورای شهر تهران درباره امنیت تاکسی‌ها به هم‌میهن گفت: «طبیعی است که اگر این مدیریت‌ها به درستی اجرا شوند، انضباط لازم وجود داشته باشد و ناوگان به اندازه کافی وجود داشته باشد و همه آن «اگر»هایی که متأسفانه به دلیل عدم



جنگ بر سر مهاجرت

ترامپ گارد ملی را به خیابان‌های لس آنجلس فرستاد

نگران‌کننده در رویکرد دولت نسبت به مهاجرت و واکنش‌های مردمی به استفاده از تاکتیک‌های شبهنظامی» است.»

▼ گاز اشک‌آور و گارد ملی

تصاویر متعددی از اعتراضات در لس آنجلس در رسانه‌ها پخش می‌شود. شبکه‌های تلویزیونی، اینترنتی و کاربران فعال در شبکه‌های اجتماعی از بسیاری از صحنه‌های مربوط به اعتراضات، تصاویری را به صورت زنده و مستقیم مخابره کردند که شدت عمل پلیس در مقابل معترضان را نشان می‌دهد. نیروهای امنیتی آمریکا جلوی فعالیت رسانه‌ها در صحنه‌های اعتراض را نمی‌گیرند. رسانه‌های آمریکایی، معترضان را به دو دسته تقسیم می‌کنند. آمریکایی‌های معترض به سیاست‌های مهاجرتی ترامپ و مهاجران لاتین‌تباری که در مناطق مختلف لس آنجلس زندگی می‌کنند. ایالت کالیفرنیا ساخت‌گیری کمتری نسبت به مهاجران دارد و به همین دلیل، تعداد مهاجران غیرقانونی در شهرهای مختلف این ایالت زیاد است. رسانه‌های آمریکایی می‌گویند این اعتراضات بیشتر در مناطقی مانند پارانمونت و کامپتون که تعداد ساکنین اهالی آمریکای لاتین بیشتر است، شدیدتر بوده است.

تحلیل تصاویر مختلف از سرکوب معترضان توسط نیروهای امنیتی آمریکا نشان می‌دهد که ترکیبی از پلیس‌های یونیفرم‌پوش، لباس شخصی (همراه با نشان و جلیقه پلیس)، کلانترها و همچنین پلیس فدرال (FBI) با تجهیزات ضدشورش در خیابان‌ها هستند. فیلم‌های اعتراضات، استفاده طیف گسترده‌ای از تجهیزات ضدشورش علیه معترضان مانند شلیک گلوله‌های گاز اشک‌آور، پینت‌بال، اسپری اشک‌آور، نارنجک صوتی و ماشین‌های آب‌پاش قدرتمند را نشان می‌دهد؛ تجهیزاتی که برای پراکنده کردن اجتماعات استفاده می‌شود. این نیروهای مختلف پلیس، برای درگیری نزدیک سپر و باتوم و البته ماسک ضدگاز همراه داشتند. در نقطه مقابل، برخی معترضان پرچم میکریک را به دست می‌گرفتند و بعضی از آنان نیز صورت خود را با چغیه‌های فلسطینی و ماسک می‌پوشاندند. آن‌ها با آتش زدن حلقه‌های لاستیک، خودرو و استفاده از وسایل دیگر خیابان‌ها را مسدود کردند. محور اصلی اعتراض همه آنان، سیاست‌های مهاجرتی ترامپ است. عصر دیروز به وقت تهران، خبر



محسن صالحی‌خواه

گزارشگر هم‌میهن

حمله نیروهای پلیس مهاجرت و گمرک (ICE) به چند محل از جمله یک انبار لباس روز لس آنجلس، جرقه اعتراضاتی را زد که امروز مشهورترین شهر آمریکا درگیر آن است. در حملات روز جمعه پلیس به این اماکن، ۴۰ مهاجر غیرقانونی- ۱۱۸ نفر در برخی منابع- بازداشت و به ساختمان فدرال منتقل شدند. معترضین ابتدا در محل‌های عملیات پلیس تجمع کردند و اعتراض خود را به سیاست‌های مهاجرتی ترامپ نشان دادند و سپس بر اساس گزارش رسانه‌های آمریکایی، حدود ۱۰۰۰ نفر از آن‌ها ساختمان پلیس مهاجرت و گمرک را محاصره کردند. جایی که پلیس ضدشورش با شلیک گاز اشک‌آور و باتوم محاصره را شکست، درگیری میان دو طرف رخ داد و کلید آغاز ناآرامی‌ها زده شد.

روز یکشنبه، **دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا** با صدور دستوری بسیار نادر، فرمان اعزام ۲۰۰۰ نفر از نیروهای گارد ملی کالیفرنیا به لس آنجلس را صادر کرد؛ اقدامی که از زمان لیندون بی. جانسون، رئیس‌جمهور اسبق آمریکا در سال ۱۹۶۵ تا امروز انجام نشده بود. اخبار حاکی از آن است که عملیات پلیس ICE همچنان برای دستگیری مهاجران غیرقانونی ادامه دارد.

اقدام ترامپ در اعزام نیروی نظامی برای کنترل اعتراضات، با انتقاد گروه‌های حقوق بشری مواجه شد. سی‌ان‌ان نوشت: «گروه‌های حقوق بشری از تصمیم دولت دونالد ترامپ برای اعزام گارد ملی به لس آنجلس برای مقابله با معترضان به سیاست‌های مهاجرتی واکنشگن به شدت انتقاد و آن را تقلیدی از رویکردهای رژیم‌های استبدادی در مواجهه با مردم ناراضی توصیف کردند. در فراخوانی برای «آرامش عمومی»، لیگ متحد شهروندان آمریکای لاتین (LULAC) روز یکشنبه بیانیه‌ای منتشر کرد و دستور ترامپ برای اعزام گارد ملی برای مقابله با معترضان را محکوم کرد.

در این بیانیه آمده است که این اقدام «نشان‌دهنده تشدید عمیقاً